

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و هشتم، دوره جدید، شماره ۳۹، پیاپی ۱۲۹، پاییز ۱۳۹۷

فعالیت‌های عام‌المنفعهٔ دربارِ سلطان حسین بایقرا در خراسان (۸۷۵-۹۱۱ ق) (با تکیه بر متون تاریخی)^۱

مصطفی لعل شاطری^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۹/۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۶

چکیده

عصر سلطان حسین بایقرا را می‌توان از ادوار رونق فعالیت‌های عام‌المنفعه دانست. گرچه پیشینهٔ این‌گونه اقدامات در دوره تیموریان (۷۷۱-۸۸۰ ق) به تیمور بازمی‌گردد، اما با روی کار آمدن بایقرا و متعاقباً رویکرد ویژهٔ وزیر او، امیرعلیشیر نوایی، این اقدامات در حد قابل ملاحظه‌ای در خراسان گسترش یافت. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی و بهره‌گیری از متون تاریخی در پی پاسخ به این پرسش می‌باشد که گستره و تأثیر فعالیت‌های عام‌المنفعهٔ سلطان و نوایی تا چه حد و با چه رویکردی بوده است؟ در دورهٔ بایقرا، این اقدامات به صورت قابل ملاحظه‌ای توسط او و درباریان به خصوص وزیر وی در راستای سیاست‌های دربار و انگیزهٔ شخصی انجام پذیرفت. این امور، بیشتر زمینه‌ها از جمله مذهبی، آموزشی و رفاهی را شامل می‌شد که در این بین سلطان و درباریان علاوه بر توجه به رفاه عمومی، در راستای کسب منزلت و

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2018.18018.1515

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد؛ mostafa.shateri@yahoo.com

جایگاه سیاسی - اجتماعی گاه با تیت خالص، عدم رضایت از نابرابری عمومی، کسب رضایت درونی و در مواردی شهرت‌طلبی، به انجام این امور اهتمام داشتند.

واژه‌های کلیدی: تیموریان، سلطان حسین بایقرا، امیرعلیشیرنویس، اقدامات عام‌المنفعه.

۱. مقدمه

دوره سلطان حسین بایقرا را می‌توان به دلیل برخورداری از شاخصه‌های فرهنگی - هنری، یکی از ادوار برجسته حکمرانی تیموریان دانست، چنان‌که یکی از مشخصه‌های نسبتاً بارز آن فعالیت‌های عمرانی و عام‌المنفعه‌ای بود که توسط سلطان و برخی از درباریان انجام گرفت. درحالی‌که قبل از روی کار آمدن بایقرا، این فعالیت‌ها از سوی حاکمان، شاهزادگان و تا حدودی وابستگان درجه یک خاندان سلطنتی با اهداف مختلف صورت پذیرفته و درباریان، نقش اندکی در این باره داشتند؛ اما در دوره مورد بررسی به‌عنوان نمونه، نوایی به‌نحوی محسوس در اقدامات خیر و عام‌المنفعه وارد گردید. بی‌شک کندوکاو در بناهای عام‌المنفعه برجای مانده از این دوره در خراسان، از جمله موضوعاتی است که در مطالعات اجتماعی - تاریخی و متعاقباً برای نیل به اهداف بنیادین عاملی مؤثر محسوب می‌گردد و این مهم بررسی آن را الزامی می‌نماید. چراکه از نتایج آن می‌توان هم به تحلیلی نسبتاً فراگیر از شرایط حاکم بر سیاست‌گذاری‌های دربار در زمینه فعالیت‌های عام‌المنفعه دست یافت و هم مبانی فکری حاکم بر اوضاع اجتماعی را مورد نقد و تحلیل قرار داد.

درباره فعالیت‌های عام‌المنفعه دربار سلطان حسین بایقرا تاکنون پژوهش مستقل و جامعی صورت پذیرفته و صرفاً در برخی از مقالات به‌صورت گذرا و غیرتخصصی به این موضوع اشاره شده‌است که از جمله آن‌ها می‌توان به یعقوب آژند در مقاله سیاست هنری تیمور (۱۳۸۱)، مرضیه عنبری در مقاله بررسی مسئله وقف در دوره تیموری (۱۳۹۱)، مهرانگیز مظاهری در مقاله معماری در عهد تیموری (۱۳۷۶) و مهناز شایسته‌فر در مقاله نقش زنان بانی در گسترش معماری تیموری (۱۳۸۸) اشاره کرد که اکثراً فاقد توجه به بُعد تاریخی و استنادی بوده و گاه با رویکردی فارغ از انسجام و تحلیل به بیان مطالبی پراکنده و گرت‌برداری شده از سایر منابع پرداخته‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر متون تاریخی در پی پاسخ به این پرسش می‌باشد که گستره اقدامات صورت گرفته در قالب چه بناهایی و متعاقباً هدف از آن چه بوده و بنیان مؤثر در این زمینه در دوره مورد نظر را چه طیفی از جامعه در خراسان تشکیل می‌داده و دارای چه نیات و اهدافی بوده‌اند؟ در راستای پاسخ به پرسش‌های مطروحه در ابتدا به بررسی اقدامات عمرانی و

عام‌المنفعه پیش از بایقرا و سپس به بررسی فعالیت‌های صورت پذیرفته در دوره حکمرانی او در خراسان، تعداد و ویژگی‌های این ابنیه، بانیان آن، منابع هزینه و سیاست‌های مدنظر و رویکردهای روان‌شناختی در زمینه احداث آن‌ها پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه اقدامات عمرانی در دوره تیموریان

تیمور (۷۷۱-۸۰۷ق) در لشکرکشی‌های خود، مناطق بسیاری را غارت و نابود کرد، اما علاقه او به احداث و بازسازی ابنیه در متون تاریخی به تأیید رسیده و گاه جزئیات ساخت و سازهایی که به-فرمان و نظارت او انجام پذیرفته است، تشریح گردیده است؛ چنان‌که به احتمال فراوان تیمور از مبادرت به کارهای عام‌المنفعه هم در پی جلب رضایت رعایای خود و هم به دنبال نمایش شکوه و جلال حکومت تازه تأسیس تیموریان بر سایر حکمرانان هم‌جوار بود. بر این اساس، تیمور به عمران و آبادانی پایتخت (سمرقند) توجه خاصی نشان می‌داد. از مهم‌ترین فعالیت‌های عام‌المنفعه‌ای که به‌دستور او در این شهر صورت گرفت می‌توان به ساخت مسجد جامع اشاره کرد. تیمور پس از فتح دهلی در ۸۰۱ق. و به‌دست آوردن ثروت و غنائم فراوان، دستور ساخت این مسجد را صادر کرد و برای این کار، معماران بسیاری را به خدمت گرفت. این مسجد در رمضان همان سال پی‌ریزی و پس از پایان، موجب شگفتی هر بازدیدکننده‌ای شد (خوافی، ۱۳۸۶: ۱۰۰۴/۳؛ ابن-عربشاه، ۱۳۵۶: ۱۲۶؛ کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۸۳؛ نظنزی، ۱۳۸۳: ۲۷۵).

یکی دیگر از اقدامات تیمور، ساخت و یا تعمیر بقاع متبرکه و مزارات عارفان و شیوخ بود.^۱ او در سال ۷۹۵ق. در بغداد، مزار احمد حنبل، پیشوای مذهب حنبلی را که از طغیان رود دجله خسارت دیده بود، تعمیر و نیز مزاری برای شیخ احمد یسوی در سال ۷۹۹ق. در شهر ترکستان بنا کرد. همچنین پس از فتح دمشق (۸۰۳ق) دستور داد تا بر سر مزار همسران پیامبر اکرم (ص)، که در قبرستان باب‌الصغیر دمشق مدفون بودند دو گنبد سنگی رفیع برپا سازند (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۸۲۴/۲، ۷۶۹؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۷۳۶/۱؛ شامی، ۱۳۶۳: ۲۳۶). مرمت و بازسازی شهر بیلقان (در حوالی اران و آذربایجان) در سال ۸۰۶ق. نیز از جمله اقدامات عمرانی تیمور است که «مشمول بر سوری عریض و خندقی عمیق و مربعات بازار و خانه‌های بسیار و حمامات و خانات، دور باروی آن به ذراع شرع دو هزار و چهارصد گز [...] به مجرد التفات عالیه چنان عمارتی عالی و شهرستان رفیع در مدت یک ماه به اتمام رسید عقلاً بر آن کارمانی تعجب نمودند و جهان‌دیدگان بر آن تمکن و کارفرمایی آفرین خواندند» (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۱۰۰۷/۲-۱۰۰۹). او همچنین دستور داد تا در

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره رجوع کنید به: (Haase, 1997).

بعضی از مناطق برای رفاه حال مسافران تمهیداتی اندیشیده شود. بر این اساس خانقاهی در تربت جام برای مسافران و در یزد، دارالفتوحی جهت رفاه حال رعایا بنا شد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۵). همچنین در سفری که به جانب روم داشت به حفر نهر آبی فرمان داد تا مردم از آن استفاده کنند و آن را «برلاس» نامید (یزدی، ۱۱۲۰/۲؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۰۳/۳).

با بررسی اقدامات تیمور می‌توان دریافت که این امور شامل طیف گسترده‌ای از انواع فعالیت‌ها در راستای اهداف گوناگون بوده‌است. به احتمال فراوان انگیزه عمران راه‌ها، کاروانسراها و روستاها بیش از همه مبتنی بر مقاصد نظامی و راحتی در لشکرکشی‌های بود و احداث ابنیه مذهبی و خانقاه‌ها برای کسب نظر قشر مذهبی و بهره‌گیری از نیروی آن‌ها و نیز کارکردهای چندوجهی آن همچون رسیدگی به نیازمندان و آموزش طلاب و مرمت مدارس، امکانات آبرسانی و حمام‌ها براساس سیاست توسعه‌ای او محسوب می‌گردید. همچنین به این دلیل که قدرت مطلق سلطان بود، می‌توان دریافت که انگیزه در آمد مالی چندان مورد توجه قرار نداشته، چراکه این آثار بیش از همه نشانگر قدرت فرمانروایی و بنیادگذار آن‌ها بود.

پس از تیمور و در دوره شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ ق) به سبب اشتیاق او به بازسازی شهرها و ایجاد محیطی همراه با رفاه و آسایش برای مردم تحت حکمرانی‌اش و از جهتی دیگر، کسب رضایت فرّوق دینی، بسیاری از ویرانگری‌های دوره تیمور آباد و در کنار آن نیز به احداث ابنیه پرداخته شد (حافظ‌ابرو، ۱۳۸۰: ۱۹۱/۳، ۳۹۰، ۵۷۹؛ خوافی، ۱۳۸۶: ۱۰۸۷/۳). از جمله مهم‌ترین این اقدامات می‌توان به تعمیر و بازسازی شهر مرو و هرات در سال ۸۰۷ ق اشاره کرد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱۱۵/۲-۱۱۶). خوافی در این باره می‌نویسد:

«به عدل شهنشاه با دین و داد هری شد به نو همچو سبعا شداد
عروس قضا بهر تاریخ ملک سر زلف آورد و بر رخ نهاد»

(خوافی، ۱۳۸۶: ۱۰۱۴/۳)

گونه دیگری از فعالیت‌های عام‌المنفعه شاهرخ، مبتنی بر رویکرد مذهبی توأم با کارکردهای گوناگون اجتماعی بود، چنان‌که توسعه مجموعه‌های زیارتگاهی از جمله مزار عارف بزرگ سده پنجم هجری، خواجه عبدالله انصاری در هرات، مزار شیخ احمد جام در تربت جام، مزار مولانا زین‌الدین شیخ ابوبکر تایبادی و غیاث‌الدین پیراحمد خوافی از جمله اقدامات این پادشاه تیموری است^۱ (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۵۴؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۶۳). از دیگر بناهای تعمیر و احداث شده

۱. برای اطلاع بیشتر در این باره رجوع کنید به: (Adamec, 1981; Golombek, 1969).

به وسیله شاهرخ^۱ در راستای رفاه عمومی می توان به مرمت قلعه بلخ (۸۱۰ ق)، بنای باغ سفید در هرات (۸۱۳ ق)، بازسازی قلعه کوشک (۸۱۳ ق)، تعمیر قلعه هرات (اختیارالدین) (۸۱۸ ق) و بازسازی باغ و سرای مشهد (۸۲۱ ق) اشاره کرد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۳۹۰، ۵۷۹؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۱۳۵؛ خوافی، ۱۳۸۶: ۳/۱۰۸۷). با این حال، به نظر می رسد که انگیزه شاهرخ از انجام اقدامات عام المنفعه احتیاجات مدنی و تمایلات مذهبی او بود. چراکه شاهرخ به عنوان یک سلطان حامی دین رسمی و دولتی شناخته شده بود و برنامه های عمرانی او نیز منعکس کننده این امر محسوب می گردید (گلیمک، ۱۳۷۴: ۹۹).

هر چند پس از شاهرخ تا حدی اقدامات عمرانی رو به افول نهاد، اما انجام فعالیت های عام المنفعه، خواه با نیت خدمت رسانی و خواه جهت بهره گیری های سیاسی - مذهبی، در دوران جانشینان او متوقف نگردید، به نحوی که میرزا ابوالقاسم بابر (۸۵۳-۸۶۱ ق). عمارتی بر مزار حافظ در شیراز و عمارتی بر مزار شیخ بهاء الدین عمر ساخت و مزار خواجه عبدالله انصاری را مرمت کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۱۰۸؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/۷۵۹). سلطان ابوسعید (۸۵۵-۸۷۳ ق). نیز در عیدگاه دارالسلطنه هرات، نهری از طرف مشرق در جانب شمال هرات جاری نمود و به «جوی سلطانی» معروف گردید، به نحوی که بر عمران و آبادانی باغ ها و مزارع شهر تأثیر قابل ملاحظه ای نهاد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۱).

با بررسی روایات فراوانی که از این گونه اقدامات در نیمه اول حکمرانی تیموریان ذکر شده است می توان بنا به سیاست اعمالی از سوی تیمور - مبنی بر انجام فعالیت هایی با شتاب فراوان - بیان داشت که تا حد زیادی این اقدامات از سویی با وجود گستره جغرافیایی گسترده، بیش از هر موضوعی مبتنی بر خودنمایی و کسب اقتدار بود و متعاقباً چندان نیازهای اساسی مردم مدنظر قرار نمی گرفت، چراکه می بایست در کوتاه ترین زمان اقدامی در راستای علایق و اهداف مورد نظر تیمور انجام می شد. اما در دوره جانشینان او این فعالیت ها از اعتدال و ارزش بیشتر و مبتنی بر مقتضیات و هنجارهای روز برخوردار گردید، چنان که اوج این امر را می توان در دوره سلطان حسین بایقرا و به ویژه در هرات شاهد بود.

۱. علاوه بر شاهرخ، همسران او نیز در امور عام المنفعه پیش قدم بودند، چنان که مسجد گوهرشاد که یادگار «گوهرشاد آغا» می باشد، گواه این امر است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۴/۶۹۳). همچنین «مملکت آغا» همسر دیگر شاهرخ «در دارالسلطنه هرات قریب به مسجد جامع، دارالحدیث و دارالشفایی باصفا بنا نمود و نزدیک به این دو بقعه حمامی راحت انجام و دکاکین ساخته بر آن بقاع وقف نمود و بیرون درب ملک نیز مدرسه و حمامی ساخت» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۶۷).

۳. اقداماتِ عمرانیِ عام‌المنفعه در دوره سلطان حسین بایقرا

سلطان حسین نسبت به اسلاف خود بر قلمرو بسیار محدودتری فرمان می‌راند و اقدامات او را می‌توان صرفاً محدود به هرات و حوالی آن دانست (گلمبک، ۱۳۷۴: ۱۰۰). با وجود این، اقدامات عمرانیِ عام‌المنفعه این حکمرانِ تیموری در کنار سایر اقدامات فرهنگی-هنری او از اهمیت خاصی برخوردار است (لعل شاطری، ۱۳۹۵: ۹۴). علاوه بر سلطان، عده زیادی از درباریان نیز به این مهم مبادرت نموده و باعث شدند که این دوره به یکی از ادوار برجسته مبدل شود. با دستیابی بایقرا به سلطنت، فعالیت‌های عمرانی رونق و شتابی بیش از پیش به خود گرفت. اقدامات عام‌المنفعه این دوره، شامل جنبه‌های گوناگونی از جمله ساخت و تعمیر بقاع متبرکه و مساجد با کارکردی چندوجهی، مدارس، خانقاه‌ها، رباط‌ها، باغ‌ها، نهرها و غیره می‌شد که بنا به گزارش میرخواند، سلطان «از خالص اموال خویش خریده» و وقف کرده بود (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۶۴۸/۱۱).

۳-۱. احداث و بازسازی زیارتگاه و بقاع

در دوره تیموریان روح مذهبی بر مسائل گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بود. تعصب سلاطین تیموری در دین یا تظاهر آنان به دینداری، فزونی یافتن حرمت سادات، علما و بزرگان دین در جامعه، مداومت سلاطین بر زیارت مقابر بزرگان دین و مشایخ، برگزاری مجالس دینی و مباحث کلامی و شرعی، تعمیر بقاع متبرکه، فزونی یافتن روند ساخت ابنیه مذهبی، ترویج و گسترش علوم دینی، ظهور نهضت‌های مذهبی شیعی-صوفی، بیانگر تسلط دین و مذهب بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی در این دوره بود (سمائی دستجردی، ۱۳۹۵: ۹۰). ساخت بقاع و بارگاه امامزادگان را می‌توان جریانی در راستای سیاست مذهبی مدنظر دربار و نیز کارکردهای گوناگون این ابنیه برای خدمت‌رسانی به عموم مردم دانست، چنان‌که امامزاده ابوالحسن علی بن ابیطالب در بلخ یکی از این موارد بود.^۱ سلطان حسین به سال ۸۸۵ق در شهر بلخ پس از آشکار شدن این مرقد، بقعه و بارگاهی برای این مکان ساخت و نهر شاهی را وقف آن بقعه کرد. میرخواند در این باره می‌نویسد: «خاقان منصور با فوجی از امرا و خواص بدان جانب نهضت فرموده، پس از وصول، غایت نیاز و اخلاص بجا آورد و قبه‌ای در کمال ارتفاع و وسعت بر سر آن مرقد جنت منزلت نهاده و در اطراف آن ایوان‌ها و بیوتات طرح انداخت و در آن قریه بازاری

۱. ابوالحسن علی بن ابیطالب از علمای برجسته امامیه و متوفی ۵۰۲ق. در بلخ بود (رحمانی، ۱۳۸۳: ۴۲/۱؛ گیلانی،

مشمول بر دکاکین و گرمابه‌ها بنیاد نهاد و یکی از انهار بلخ را که حالا نهر به نهر شاه‌ی مشهور است بر آن مزار فیض آثار وقف ساخت» (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۷۴۶-۵۷۴۷).

در حیطه اقدامات عام‌المنفعه و عمرانی دوره سلطان حسین بایقرا بی‌شک امیرعلیشیر نوایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. به‌همین دلیل، او علاوه بر مقام سیاسی و علمی، به‌عنوان یک عضو خیر و نیکوکار جامعه، که خدمات عمرانی و عام‌المنفعه فراوانی از او گزارش و به‌جای مانده، معرفی شده است. نوایی در طی دوران وزارت خود، مبتنی بر سیاست‌های دربار، اهتمام فراوانی به احداث و بازسازی بقاع و مزارات داشت، از این‌رو یکی از اقدامات او در زمینه تعمیر مرقد شیخ فریدالدین عطار نیشابوری در ۹۰۲ ق. بود. نوایی در پی سفری به نیشابور، شاهد ویرانی نسبی این مقبره بود. از آنجایی که او، وزیری دوستدار فرهنگ و اهل ادب بود و نسبت به شعرا ارادت خاصی داشت، دستور داد تا آن‌گونه که شایسته این شاعر است، مرقدش بازسازی و تعمیر شود (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۲). همچنین، دستور داد تا بنایی برای مقبره امیر قاسم انوار تبریزی در روستای لنگر در نزدیکی تربت‌جام و نیز عمارتی بر سر قبور مولانا شمس‌الدین محمد تبادکانی، خواجه ابوالولید احمد و امیر عبدالواحد بن مسلم ساخته شود (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۵۰۶؛ خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۹-۲۰۰).

ساخت و بازسازی این مزارات را شاید بتوان تا حد زیادی نشان از وابستگی‌ها و علائق مذهبی این وزیر و متعاقباً در راستای حمایت از باورهای اعتقادی گروه‌های گوناگون اجتماعی در راستای خدمت‌رسانی فرهنگی به آنان بیان داشت. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که اقدام سلطان و نوایی برای ساخت بقعه و بارگاه برای این اماکن، باتوجه به وجود دو طیف اهل سنت و تشیع در جامعه عصر بایقرا، جلب نظر مذاهب اسلامی، که یکی از اهداف مورد توجه دربار بود، را فراهم آورد. چراکه منابع در رابطه با رفتار خصمانه در زمان حضور فرق و مذاهب گوناگون در این مکان‌ها و حوالی آن گزارشی را بیان نداشته‌اند. بر این اساس، چنین می‌توان دریافت که این‌گونه اقدامات، موجب کاهش تنش‌های احتمالی و متعاقباً آرامش روانی، که یکی از نیازهای اصلی دربار بایقرا بود، را به همراه داشت.

۲-۳. مرمت و ساخت مساجد

از جمله مهم‌ترین بناهای مذهبی هر شهر در محدوده قلمرو سلطان حسین، مسجد جامع -مبتنی بر کارکردهای گوناگون- بود که وظیفه مرمت و احداث این ابنیه برعهده درباریان قرار داشت. از این‌رو، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین فعالیت‌های عمرانی نوایی با حمایت سلطان، بازسازی و

ترمیم مسجد جامع هرات بود. این مسجد را ابوالفتح غیاث‌الدین محمد بن سام غوری بنا نهاده بود اما به دلیل حمله چنگیزخان و خرابی ولایات خراسان و نیز هجوم تیمور رو به ویرانی نهاد و متروک گردید. از این رو، نوایی به سال ۹۰۳ ق در اقدامی ممتاز، به بازسازی این مسجد مبادرت ورزید تا از نابودی کامل آن جلوگیری و متعاقباً اقشار جامعه از کارکردهای گوناگون آن برخوردار شوند^۱ (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۸، زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۶-۲۷).

با این حال نوایی صرفاً به بازسازی مسجد بسنده نکرد، بلکه برای هرچه زیباتر و باشکوه‌تر شدن آن، گروهی از بهترین کاشی‌کاران، سنگ‌تراشان و گچ‌کاران را جهت تزیین مسجد به خدمت گرفت. چنان که این گروه به مدت یک سال مشغول تزیین نمای مسجد بودند (واصفی، ۱۹۶۱: ۲۰۹/۱؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۸-۲۹). این کار چنان با هنرمندی و ظرافت و دقت صورت پذیرفت که مسجد جامع هرات به یکی از آثار ماندگار دوره تیموری و حتی ادوار بعد از آن تبدیل شد (گل‌مبک، ۱۳۸۶: ۱۰۲). به نحوی که در وصف آن آمده است:

«فرخنده بقعه‌ای و مبارک عمارتی در نکویی بدیع و به پاکیزگی سمر
با سقف او سپهر بلند است بی‌محل با صحن او بهشت بر این است بی‌خطر»

(زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۹)

علاوه بر بازسازی مسجد جامع هرات، که به موجب آن اسباب عمران و آبادی مناطق اطراف آن نیز میسر شد و باید آن را یکی از دلایل نامیدن مساجد در قالب فعالیت‌های عام‌المنفعه دانست، نوایی در راستای سیاست‌های سلطان، در ادامه اقدامات عمرانی به ساخت مساجدی در نقاط مختلف پرداخت تا مردمان آن مناطق به آسانی بتوانند به عالمان مذهبی دسترسی داشته، به انجام فرایض دینی خود بپردازند و در زمینه تعلیم و تعلم نیز تسهیلات لازم فراهم گردد. از جمله این مساجد می‌توان به سرپل انجیل، تل قطبیان، سرکوجه الغ آتا، سرکوجه امیر اسلام برلاس، چهارسوق میرزا علاءالدوله، کوشک جهان‌نمای، محله قلندران، زاغان، محله ترخانیان، محله میرعادل، جامع پل‌کارد، جامع پل‌درقرا، عیدگاه زیارتگاه، قریه‌بهره، جامع اسفزار، جامع قطبه فوشنج، عیدگاه جام، سرخس، جامع کرات‌ترشیز، جامع استرآباد و مسجدی که در غور بنا کرد، اشاره داشت (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۹؛ زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۸۵).

۱. به منظور بازسازی مسجد جامع هرات، نوایی بهترین معماران را به کار گرفت و پیوسته بر کار آن‌ها نظارت داشت و گاهی همراه با معماران و کارگران مشغول به کار می‌شد تا بر همه امور مربوط به بازسازی مسجد اشراف کامل داشته باشد. به دلیل نظارت دقیق و شخصی امیر و اهتمام او بر بازسازی هرچه سریع‌تر، بنایی که می‌بایست در مدت زمانی چند سال آماده می‌شد در کمتر از شش ماه (سال ۹۰۴ ق.) به پایان رسید (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۸۷).

البته چنین به نظر می‌رسد که علاوه بر افکار خیرخواهانه، وابستگی‌ها و گرایش‌های سیاسی دربار نیز در احداث بناهای مذهبی، به‌ویژه مساجد جامع، تأثیرگذار بوده‌است. چراکه مساجد به‌واسطه کارکردی که داشتند، در آن خطبه به‌نام سلطان خوانده و به‌گونه‌ای بر مشروعیت سلطان تأکید و از بعد روانی بر مردم تأثیرگذار بود. از سویی دیگر، در راستای کارکرد چندجانبه مساجد، یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای ابلاغ فرامین دولتی به طیف‌های گوناگون جامعه محسوب می‌گردید که بیانگر ارتباط نسبی این مکان‌ها با دربار بود (گلمبک، ۱۳۷۴: ۸۱-۸۰). همچنین از منظر کالبدشکافی شهری می‌توان این نظریه را بیان داشت که افزایش تعداد مساجد در محدوده حکومت سلطان حسین بایقرا با توجهی ویژه از سوی نوایی، نشان‌دهنده این جریان بود که شهرها در وضعیت مطلوبی از منظر رشد جمعیت قرار داشتند، چراکه به احتمال فراوان خواست فزاینده عمومی - همسو با اعمال تسامح مذهبی دربار و آزادی نسبی در بروز عقاید دینی از سوی مردم - می‌توانسته است یکی از دلایل توجه دربار برای احداث و بازسازی مساجد بوده باشد.

۳-۳. بنای مدارس

ساخت مدارس برای خدمت‌رسانی به اقشار طالب علم گوناگون مبتنی بر رویکردی در داخل قلمرو حکمرانی سلطان حسین و حتی خارج از آن بود. از این رو به‌عنوان نمونه سلطان به احداث فضای علمی ممتازی در مجاورت مرقد مادرش فیروزه‌بیگم پرداخت. او دستور داد تا علما و دانشمندانی جهت تدریس برای طلاب در این مدرسه حضور یابند و هزینه این مدرسه و نیز فقرا و مساکینی که روزانه در این مکان اطعام می‌شدند، پرداخت گردد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۴؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۷۲/۴). علاوه‌براین، مدرسه «سرپل» دیگر اقدام سلطان در این حوزه بود (سرپل در گذشته، «انبار» و «انبیر» نیز خوانده می‌شد یکی از ولسوالی‌ها (بخش) جوزجان بود). پس از بنای این مدرسه مقرر شد تا عده‌ای از اساتید به آموزش و تعلیم طلاب در مدرسه سرپل مبادرت نمایند. بدین ترتیب «یازده کس از سادات و علما و دانشمندان متبحر به تقلد منصب تدریس سرافراز و مفتخر گشته و در هر سی روز قرب سی طالب علم جمع آمده وظیفه می‌گیرند» (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۴؛ و نیز ر.ک: خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۷۲/۴).

علاوه بر سلطان، نوایی نیز به ساخت و تعمیر بنای مدارس اهتمام ویژه‌ای می‌ورزید. این وزیر از تمام توان خویش سود جست تا علم و دانش را بیش از پیش گسترش و رونق دهد و به‌همین دلیل، شماری از اقدامات عمرانی عام‌المنفعه نوایی، بناهایی هستند که با علم و فرهنگ، پیوندی تنگاتنگ داشت. نوایی در دوران وزارت خود، مدارس بسیاری جهت تحصیل طلاب دایر نمود که

به احتمال فراوان ثمره آن توسعه یافتن مدارس به‌عنوان عمده‌ترین مؤسسات آموزشی علوم دینی در قلمرو سلطان بود. یکی از معروف‌ترین این مدارس که در متون تاریخی بارها از آن یاد شده، مدرسه «اخلاصیه» در کنار مسجد جامع هرات است. او اشاره دارد که چون این مدرسه از روی خلوص نیت ساخته شد، اخلاصیه نام گرفت (نوایی، مقدمه کا). این مدرسه که در آن تمام امکانات تحصیلی و اقامتی برای مدرسین و طلاب فراهم بود، در مدت زمانی اندک، به مرکزی تبدیل شد که از سرتاسر قلمرو حکومت تیموری و مناطق همجوار به آن سفر کرده و به کسب علم و دانش می‌پرداختند (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۳۲۱/۱۱). علاوه بر اخلاصیه، نوایی به ساخت مدارس دیگری نیز اقدام کرد. چنان‌که مدارس خانقاه و نظامیه در هرات، مدرسه خسرویه در مرو و مدرسه شفاویه از جمله این فعالیت‌های عمرانی عام‌المنفعه می‌باشد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۶۳).

آنچه پیداست به‌واسطه سکوت منابع درباره اقدامی مشابه اخلاصیه در عصر تیمور و شاهرخ، می‌توان ایجاد چنین مرکزی را برای نخستین بار به کوشش نوایی دانست که پس از آن سنت بازسازی و احداث مدارس مورد توجه سایر درباریان قرار گرفت. با این همه، فارغ از اهداف سیاسی - اجتماعی مورد نظر دربار، به احتمال فراوان مبنی بر نظر گل‌مبک، نوایی تحت تأثیر توسعه مراکز علمی پیش از تیموریان همچون محله ربع رشیدی که توسط رشیدالدین فضل‌الله همدانی برپا گردیده بود، قرار داشت (گل‌مبک، ۱۳۷۴: ۱۰۴). چنان‌که به نظر می‌رسد به‌واسطه اشتها و محبوبیتی که که وزیر غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ ق.) در عرصه نشر و گسترش علم و دانش کسب کرده بود، این الگوبرداری به‌صورتی غیرمحسوس از سوی نوایی دنبال شده است.^۱

۳-۴. خانقاه

ایجاد بناهایی تحت عنوان «خانقاه»، که شاید بتوان یکی از کارکردهای آن در زمینه فعالیت‌های عام‌المنفعه را اطعام و کمک‌رسانی به فقرا و مساکین در اطراف مساجد و مقابر علمای دین و طریقت دانست، از جمله دیگر اقدامات سلطان حسین و نوایی بود. البته به نظر می‌رسد علاوه بر این هدف، گرایش‌های صوفیانه وزیر و سلطان - همچون فرقه نقشبندیه - در انجام چنین اقداماتی بی‌تأثیر نبود (لعل شاطری، ۱۳۹۳: ۱۰۰). در کنار مدرسه سرپل به‌دستور بایقرا، خانقاه‌های جهت اطعام فقرا و مساکین ساخته شد و نیز در مجاورت این بنا، حمام و کاروانسرای بسیار بزرگ احداث، و مقرر شد به‌عنوان موقوفات سلطانی از عایدات این حمام و کاروانسرا امور مالی و

۱. نظریه مطروحه با بررسی سایر ارکانی همچون مشابهاات ساختمانی، منابع تأمین هزینه‌ها و نیز رویکرد علمی حاکم بر این دو مرکز، از امکان اثبات نهایی برخوردار است.

هزینه‌های این خانقاه پرداخت گردد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۷۴/۴). دارالسیاده هرات، یکی دیگر از بناهای عام‌المنفعه این دوره مبنی بر دستور سلطان بود که گویا بیش از همه برای ایجاد امکانات رفاهی جهت سادات ایرانی و غیرایرانی مورد استفاده قرار می‌گرفت. این بنا، خانقاهی در ابتدای چهارسوق هرات بود و «دارالسیاده» نام گرفت. خواندمیر اشاره دارد که روزانه در این مکان به حدود سه الی چهار هزار نفر به خصوص مساکین و فقرا، غذا و علوفه برای چهارپایانشان داده می‌شد (همان: ۱۷۲).

در این بین مهم‌ترین خانقاهی که نوایی احداث نمود، در کنار مسجد جامع هرات قرار داشت (نوایی، مقدمه کا). این خانقاه به صورت پیوسته، جهت اطعام مساکین و فقرا فعالیت می‌کرد. می‌خواند درباره این خانقاه و پذیرایی از مساکین در آن این گونه اشاره دارد:

«در ضیافت خانه خوان نوالش منع نیست در گشادست و صلاح در داده خوان انداخته»

(می‌خواند، ۱۳۸۰: ۵۳۲۱/۱۱).

همچنین در این خانقاه علاوه بر اطعام، سایر وسایل مورد نیاز افراد مستمند از جمله کفش، لباس و انواع پوشاک در میان آنان توزیع می‌شد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۱). علاوه بر خانقاه مسجد هرات، نوایی به احداث خانقاه‌های دیگری نیز با همین سبک و سیاق در سایر مناطق پرداخت. از جمله آن‌ها می‌توان به خانقاه جماعت‌خانه بر سر مزار مولانا شمس‌الدین محمد تبادکانی در هرات، خانقاه سر مزار شیخ فریدالدین عطار در نیشابور و خانقاه زیارتگاه در حوالی خراسان اشاره کرد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۹۸-۱۹۹). با این حال، همجواری اکثر خانقاه‌ها با سایر مراکز عام‌المنفعه، که مورد نیاز اقشار گسترده جامعه بوده‌است، همچون مساجد و مدارس را صرفاً نمی‌توان امری اتفاقی بیان داشت. بلکه به احتمال فراوان رویکردی تعمدی از سوی دربار و نیز رهبران فرق صوفیه برای دستیابی به اهدافی از پیش معلوم در این باره وجود داشته‌است (گلمبک، ۱۳۷۴: ۸۴). به این معنا که بایقرا و نوایی تا حدزیادی به دنبال آن بوده‌اند تا رهبران فرق صوفیه - که در بعضی از امور از رویکردی افراطی و یا تفریطی برخوردار بوده‌اند - را با افکار و عقاید اسلامی هماهنگ و هم‌سو نمایند. در نقطه مقابل نیز رهبران صوفیه با نمایش و بیان ویژگی‌های طریقت خود، در پی کسب نظر سایر اقشار جامعه برای جذب آنان جهت ورود به فرق خود بوده‌اند.

۳-۵. رباط

سلطان حسین و نوایی که در اقدامات عمرانی عام‌المنفعه، تمام جوانب و زمینه‌ها را در نظر داشتند، بی‌شک ساخت رباط‌ها در نقاط گوناگون قلمرو تیموری، جهت رفاه حال مسافرین و در راه-

ماندگان، یکی دیگر از اقدامات آنان محسوب می‌گردید؛ چراکه در این رباط‌ها، امکانات مناسبی برای توقف و اسکان مسافران فراهم بود. منابع تاریخی تعدادی از آن‌ها را معرفی کرده‌اند که عبارتند از: رباط‌های سنگ‌بست، عشق، دیزباد، سرخیابان، تقوز، حوضک، دره‌زنگی، چهل دختران، ترناب، پنج‌ده، قتلش مرغاب، مروچاق، پل احمد مشتاق، بیغو، زاهد، خواجه‌دوکه، چهارشنبه، بابابوری، دره قورقوش، کندگی، آق‌مزدوران، یان‌بولاغ، دشت‌شارخت، اردسکن، فرمان‌شیخ، ابوالولید، پریان، پل غوریان، پایابک، تیرپل، شترخان، باغند، جام، خرگرد، بکرآباد، سعدآباد، حظیره، مشهد مقدسه، تپه‌چوک، کلیدر، سنکلیدر، رونیز، اسفراین، چناران، دهنه تخت‌سلیمان، جرمجوی، آهوان، سرکوجه‌علامت، پل‌نگار، دیه‌لر و بهره (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۵۰۶؛ خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۳).

با این حال، رشد و رونق رباط‌ها در این دوره نتایج گسترده‌ای را به‌همراه داشت که مهم‌ترین آن رونق اقتصادی بود، چنان‌که به‌دلیل وجود بسترهایی همچون ثبات سیاسی و امنیت نسبی در مسیرهای مواصلاتی خراسان، رباط‌های مذکور به احتمال فراوان کانون‌هایی برای استراحت، خرید و فروش و بارگیری بودند که این جریان به‌صورت طبیعی در خود ثمره‌ای بسیار ارزشمند را به‌همراه داشت و آن عبارت بود از احیای زمین‌های متروک در اطراف این رباط‌ها که گویا به ایجاد روستاهایی منجر می‌گردید. هرچند این نظر نیازمند جایابی دقیق‌تری از رباط‌های خراسان عصر بایقرا و متعاقباً مطالعه پیشینه روستاهای اطراف آن می‌باشد، اما این موضوع را مبتنی بر نظریه سنتی ایجاد آبادی در اطراف رباط‌ها در ادوار قبل و پس از تیموری تا حد زیادی می‌توان قابل‌تعمیم دانست.

۳-۶. آب انبار و حفر نهر

از جمله اموری که به‌طور معمول بر اثر عواملی همچون گذر زمان، بروز جنگ، سیل، زلزله و خشکسالی مورد تخریب قرار می‌گرفت، آب مورد استفاده مردم بود. گویا مبتنی بر این دیدگاه که بی‌توجهی به سیستم آب‌رسانی، ویرانی و انحطاط نواحی روستایی و شهری را به‌همراه داشت، نوایی در سایه حمایت سلطان حسین در سرتاسر خراسان، به تأسیس آب‌انبارهایی جهت دسترسی آسان مردم به آب پرداخت. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که او دقت و تعهد ویژه‌ای داشت تا این حوض‌ها (آب انبارها) بر مبنای اصول صحیح معماری و در نظر گرفتن نکات بهداشتی - که گویا تا پیش از آن چندان مورد توجه نبود - ساخته شود. حوض‌های مسجد جامع هرات، محله پای درخت میراثی، محاذی قلعه اختیارالدین، محله شال‌باغان، سورپشته، محله چهل‌گری، خواجه‌کله، محله پیرقوام، محله قلندران، پهلوی شفاییه، سرمزار حضرت مخدومی حقایق‌پناهی، پریان، مسجد

فوشنج، چرخه، صحرای باغند، شاهان گرماب، دیزباد، زیارتگاه، اندخود و راه خوارزم از جمله این آب‌انبارها می‌باشد (میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۳۱۹/۱۱؛ خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۳).

نهر به‌عنوان یک پدیده کهن نقش بسیار مؤثری در عمران و احیای مناطق خشک قلمرو تیموری و به‌ویژه خراسان داشت، از این رو بررسی وضعیت زمین‌ها جهت حفر آب از جمله دیگر اقدامات نوایی برای خدمت‌رسانی محسوب می‌گردید، چنان‌که آب این نهرها به‌صورت رایگان در اختیار مردم قرار گرفته و اسباب رونق و آبادانی مناطق را فراهم می‌آورد. به‌عنوان نمونه می‌توان به آب نهر معروف به «چشمه گیلاس» (گلسب)^۱ اشاره کرد که سمرقندی در این باره گزارش می‌دهد: «همت عالی بر خیری گماشته که آب چشمه گل [گلسب] را که [...] در اعلی ولایت طوس واقع است، به مشهد مقدسه رضویه آورد و مجاوران و مقیمان مشهد مقدس را از جور بی‌آبی خلاص سازد و در این کار مدد همت اهل الله شامل حال این امیر کبیر است. چه احسانی که جباران عالم و سلاطین در این کار عاجزند و قریب به ده فرسخ شرعی است. منبع این آب که مجموع در ناهمواری‌ها و شکستگی‌ها آب می‌یابد آورد و این خیر بر جمیع خیرات شریفه‌اش شرف دارد و مشهد مقدسه از این جوی رشک بهشت برین و غیرت نگارخانه چین خواهد شد» (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۵۰۶). علاوه بر این، نوایی در مجاورت مسجد جامع هرات، نهری به نام «انجیل» جاری نمود که موجبات عمران و آبادی هر چه بیشتر آن منطقه و حاصلخیزی کشت و زرع را فراهم آورد (نوایی، ۱۳۶۳: ۱۹۶).

در متون تاریخی چندان به نام نهرهای ایجادشده و حتی تعداد آن‌ها اشاره‌ای نشده‌است، چراکه چنین به‌نظر می‌رسد اغلب ترمیم نهرها برعهده مردم بومی هر منطقه قرار داشته و یا احتمالاً این اقدام عام‌المنفعه از سوی درباریان درجه دوم و سوم صورت پذیرفته و به علت این‌که تاریخ‌نگاری این دوره تا حد زیادی رویکرد درباری دارد، مورخان از پرداختن به آن خودداری کرده‌اند. با وجود این، آبادانی خراسان در عصر بایقرا بی‌شک مستلزم توجهی ویژه به آب بوده‌است و نمی‌توان فقدان گزارش در این باره را غفلت از اهمیت آب‌رسانی در راستای تداوم حیات اقتصادی و اجتماعی از سوی دربار تلقی نمود.

۳-۷. احداث پل و حمام

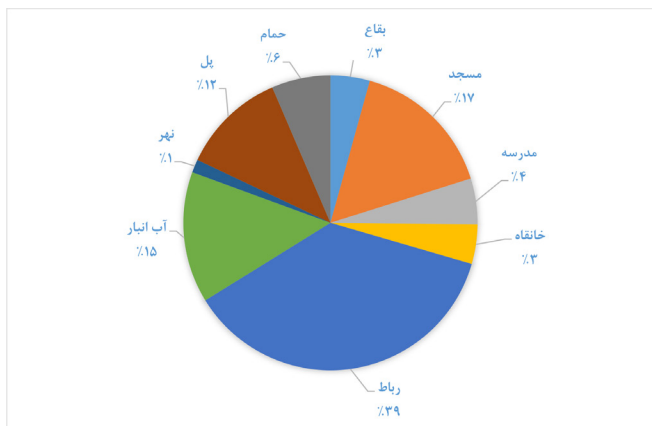
احداث پل‌های ارتباطی برای آسانی ارتباط میان نقاط صعب‌العبور از دیگر اقدامات عام‌المنفعه وزیر و به احتمال فراوان با حمایت سلطان تیموری بود. مهم‌ترین این پل‌ها عبارت بود از: سه پلک،

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: (اوکین، ۱۳۸۶).

تولکی، ساق‌سلمان، چهار دختران، ترناب، قلندران، قازیان، بای‌خواجه، خیرآباد، جوزجان، نگارمست، فوشنج، تیریل، عرب، چخچران و طرق (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۳-۹۴). هرچند در دوره بایقرا از منظر نظامی، خراسان از ثبات مطلوب برخوردار بوده، اما چنین به نظر می‌رسد که ذکاوت وزیر او را هرچه بیشتر به این امر ترغیب داشته تا با احداث و یا ترمیم پل‌های ویران، این بُعد را نیز در نظر داشته باشد، چنان‌که با جایابی دقیق هریک از پل‌های مذکور و بررسی موقعیت سوق-الجیشی آن می‌توان این موضوع را مورد نقد و بررسی جدی قرار داد. با این حال، کارکردی که بیش از هر موضوعی برای اهمیت به پل‌سازی در این دوره قابل پذیرش است، ایجاد تسهیلات سفر برای کاروان‌های تجاری می‌باشد، چراکه همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت‌های تشکیل شده در خراسان، رشد و رونق اقتصادی بوده‌است.

از دیگر اقدامات عام‌المنفعه نوایی، براساس گزارش‌های متون تاریخی، احداث حمام می‌باشد. اسامی این حمام‌ها با توجه به منابع عبارتند از: زیارتگاه، دره‌زنگی، توجی، چهل دختران، ترناب، پنج‌ده، فیض آباد، سعدآباد و جنب مسجد هرات (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۵۰۵؛ خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۴). به احتمال فراوان توجه به این‌گونه ابنیه، که سراپا در راستای رفاه اقشار میانه و پایین جامعه احداث می‌شدند، جهت جلوگیری از بیماری‌های استحمام در مکان‌های غیربهداشتی و نیز نیالودن نهرهای عمومی - که از آن آب آشامیدنی مردم تأمین می‌گردید- و همچنین گویا برای رعایت موازین شرعی و انجام فرایض دین مبین اسلام بوده‌است.

مجموع	حمام	پل	نهر	آب انبار	رباط	خانقاه	مدرسه	مسجد	بقاع
۱۳۹	۹	۱۶	۲	۲۰	۵۱	۶	۷	۲۲	۶



اقدامات عام‌المنفعه سلطان و نوایی براساس گزارش متون تاریخی

۴. اقدامات نوایی و همنوایی درباریان

بی تردید یکی از فعالان برجسته درباری در زمینه اقدامات عام‌المنفعه و عمرانی در دوره سلطان حسین بایقرا، امیرعلیشیر نوایی بود که با وجود حمایت سلطان، چنین به نظر می‌رسد اقدامات او گاه رویکرد شخصی داشت. از این رو، تقسیم‌بندی این دو جریان (درباری، شخصی) امری نسبتاً دشوار است. با این حال، فعالیت‌های نوایی موارد مختلف و جنبه‌های گوناگونی را به‌خصوص در ناحیه خراسان دربر می‌گرفت. می‌خواند درباره تعدد و سودمندی اقدامات وزیر این گونه گزارش می‌دهد: «آن مقدار بقاع و عمارات فلک‌ارتفاع که معمار عالی نهمتش در اطراف جهان خصوصاً ممالک خراسان از مدارس و خوانق و مساجد و دارالشفاء و اربطه [رباط‌ها] و غیرها ساخته و پرداخته که هرگز هیچ پادشاهی دوشوکت صاحب حشمت به‌عمارت عشر [۱] آن موفق نگشت:

ساخت عمارت بسی در جهان پی نبرد و هم به تعداد آن
تنگ شد از وسعت آن‌ها زمین رفعتشان غیرت چرخ برین»

(میرخواند، ۱۳۸۰: ۵۳۱۹/۱۱).

ساخت، نگهداری، تعمیر و بازسازی ابنیه عام‌المنفعه، نیازمند منابع مالی نسبتاً گسترده‌ای بود که برای تأمین آن راه‌های گوناگون وجود داشت. یکی از مهم‌ترین این منابع، هزینه‌هایی بود که سلطان و درباریان از منابع شخصی خود پرداخت می‌کردند. علاوه بر آن، وقف یکی دیگر از مهم‌ترین منابع مالی به‌شمار می‌رفت. بدین ترتیب که آنان پس از ساخت و یا تعمیر یک بنا برای نگهداری آن، موقوفه‌ای در نظر گرفته و از درآمد این موقوفه‌ها، هزینه‌ها پرداخت می‌شد (روملو، ۱۳۵۷: ۸۰؛ واله اصفهانی، ۱۳۷۹: ۶۶۷). در این راستا، استفاده نوایی از منابع درآمدی شخصی خود نیز برای خیرات و میراثی که در طول عمر خود به ساخت، تعمیر و نگهداری آن همت گماشت از رساله وقفیه او مشخص است. در این رساله که به پرهزینه‌ترین بناهای خیریه امیرعلیشیر از جمله مجتمع اخلاصیه اشاره دارد، نه تنها ذکر شده است که او درآمد خود را «صرف امور خیریه و بنای بقاع» (نوایی، مقدمه کا) می‌کرده است، بلکه فهرستی از املاک و مستغلات خصوصی در زمینه وقف موجود می‌باشد (همان: کب). البته باید این موضوع را در نظر داشت که تمامی نیت واقفین خدمت‌رسانی و کسب ثواب اخروی نبوده است، چرا که می‌توان یکی از دلایل گسترش ابنیه وقفی در دوره بایقرا به‌ویژه از سوی درباریان را امتیازات مالی آن و مصونیت‌ها احتمالی دانست. به این معنا که واقف با این عمل، ملک خود را در برابر هر نوع مصادره و از مالیات‌های رایج محفوظ و متعاقباً از این امتیاز برخوردار بود تا با نظر شخصی یکی از اعضای خانواده خود را متوالی و در زمره مستمری‌بگیران موقوفه قرار دهد.

در این بین هرچند گروهی پرداخت هزینه‌ها از سوی نوایی را از خزانه سلطان و حتی فعالیت‌های عام‌المنفعه او را موجب تهی شدن خزانه و مواجهه دربار با بحران اقتصادی دانسته‌اند، اما با توجه به نظارت شدید دربار بر درآمدهای دیوانیان و مخالفانی که امیرعلیشیر با آن مواجه بود، نمی‌توان پذیرفت که این امور تنها با تکیه بر منابع مالی حکومت صورت گرفته باشد (فرهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۱۶۹). حتی چنانچه این ادعا صحیح باشد -فارغ از قضاوت‌های ارزشی و جانبدارانه- انعکاس آثار مثبت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اقدامات عام‌المنفعه‌ای که به نوایی منسوب است، از ارزش و اهمیت این فعالیت‌های عمرانی نکاسته‌است. زیرا یکی از اهداف هر حکمرانی در گام نخست بهبود وضعیت مردم و خدمت‌رسانی به آنان در ابعاد گوناگون، و پس از آن نمایش اقتدار در کلیه وجوه می‌باشد که با اقدامات صورت‌پذیرفته، بسیاری از این امور در دوران حکمرانی بایقرا محقق گردید.

علاوه بر نوایی، برخی دیگر از اطرافیان و درباریان سلطان نیز به احداث و بازسازی بناهای عام‌المنفعه اقدام کردند، چنان‌که گویی موجی هماهنگ، بیشتر درباریان را به سوی این اقدامات سوق می‌داد. می‌توان گفت این موج، همان توجه و تلاش سلطان بایقرا و نوایی به این امور بود که باعث می‌شد سایر درباریان نیز برای فعالیت‌های خیر و انسان‌دوستانه، اقداماتی را انجام دهند. از جمله این افراد می‌توان به خواجه محمد ولد غیاث‌الدین پیر احمد خوافی که در هرات به بازسازی مساجد متعدد پرداخت، خواجه قوام‌الدین نظام‌الملک وزیر که بر مزار فیاض الانوار مسجدی عظیم بنا نهاد، خواجه افضل‌الدین محمد کرمانی که در بیرون درب عراق مسجد جامع و حمامی احداث نمود، امیر جلال‌الدین محمود و امیر نظام‌الدین سلطان که به عمران و آبادی بقاع در راه نابودی هرات پرداختند، سلطان بدیع‌الزمان بهادرخان که در کنار دارالسلطنه هرات مدرسه‌ای بسیار باشکوه بنیاد نهاد، میرزا سلطان احمد بن میرزا سیدی احمد بن میرزا میرانشاه که کاروانسرای وسیع را در گازرگاه بنا و به تعمیر کتابخانه هرات اقدام نمود، میر شجاع‌الدین محمد برندق برلاس که در ولایت چچکتو مدرسه و رباطی بنا نهاد و آن را «خوش رباط» نامید، اشاره کرد (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷۵-۱۷۹). همچنین از دیگر افرادی که در منابع به آن‌ها پرداخته شده‌است می‌توان امیر مبارزالدین ولی‌بیک، امیر شجاع‌الدین ذوالنون، امیر نظام‌الدین درویش‌علی، امیر نظام‌الدین شیخ احمد سهیلی را نام برد (همان).

با این حال، به نظر می‌رسد با اهتمام ویژه سلطان و نوایی بر احداث ابنیه گوناگون در شهرهای بزرگی همچون هرات، سایر درباریان توجه خود را در حوزه این نوع خدمات بیشتر به پیرامون شهر معطوف داشتند. چنان‌که به احتمال فراوان حوزه فعالیت آنان در زمینه احداث ابنیه مورد نیاز

در روستاها بود. همچنین می‌توان گفت که اگر در شهرهای بزرگ به انجام اقدامات عام‌المنفعه مبادرت می‌کردند، با تمرکز بر ابنیه در حال نابودی و یا مغفول‌مانده بود که متعاقباً این امر زمینه عمران و آبادی هرچه بیشتر شهرها را به همراه داشت. البته با بررسی متون تاریخی باید توجه داشت که در این دوره به احتمال فراوان بیشتر به ذکر اقدامات عام‌المنفعه‌ای پرداخته شده‌است که از نظر خدمت‌رسانی و وسعتِ برخورداری مردم از آن، قابل توجه بوده‌اند و از این منظر موارد جزئی چندان مورد توجه مورخان قرار نگرفته و ثبت نشده‌است. از این رو برای دستیابی به اطلاعات متقن، بهره‌گیری از کاوش‌های میدانی مبتنی بر علوم باستان‌شناسی در محدوده حکمرانی سلطان حسین بایقرا، می‌تواند ابزار مکملی برای کسب اطلاعات بیشتر در این حوزه باشد.

نکته دیگر در این دوره عدم ثبت گزارش‌های تاریخی از فعالیت‌های عمرانی عام‌المنفعه زنان در عصر سلطان حسین بایقرا است که با کثرت گزارش روبه‌رو می‌باشد. به نظر می‌رسد از جمله علل عدم ورود گسترده زنان در این عرصه، گاه میل به مصرف و تجمل‌گرایی و عدم برخورداری از دوراندیشی و گاه محدودیت‌های احتمالی مطابق هنجارهای حاکم بر جامعه عصر بایقرا در میان زنان، نسبت به ادوار پیشین جامعه تیموری بوده‌است که آنان را از شرکت در فعالیت‌هایی در راستای خدمت‌رسانی به اقشار گوناگون باز می‌داشت. با این حال، هرچند در متون تاریخی گزارشی در این زمینه وجود ندارد، اما نمی‌توان آنان را غیرفعال قلمداد کرد، چراکه به احتمال فراوان طبق سنتی که از روزگار شاهرخ به وسیله همسرانش بنیاد نهاده شد، اقداماتی از سوی زنان صورت پذیرفته اما چون بسیار ناچیز بوده ثبت نگردیده‌است. البته می‌توان ادعا کرد که تاریخ‌نگاری این دوره که بیشتر بر اقدامات سیاسی، اقتصادی، نظامی مردان درباری متمرکز بوده، شاید در عدم ثبت این اقدامات نوعی تعمد داشته‌است و یا بین گزارش تاریخ‌نگاران با اقدامات صورت گرفته تناسبی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

فعالیت‌های عمرانی عام‌المنفعه خراسان در دوره تیموریان از حکومت تیمور آغاز و پس از آن ادامه یافت، چنان‌که عصر سلطان حسین بایقرا را می‌توان نقطه اوج این اقدامات دانست. با توجه به تعداد ابنیه عام‌المنفعه احداث شده در این دوره -به گواهی متون تاریخی- می‌توان دریافت که دربار با اهداف گوناگونی به این امر مبادرت ورزیده‌است. هر اقدام عام‌المنفعه را می‌توان ترکیبی از انگیزه‌های درونی و بیرونی بانی آن دانست. در این بین تمامی بانیان از انگیزه‌های یکسانی برخوردار نبوده، چنان‌که این موضوع متأثر از نیازها و متعاقباً ویژگی‌ها و شاخص‌های غالب، متغیر و

قابل تشخیص می‌باشد. بر این اساس در دوره حکمرانی بایقرا، می‌توان عوامل درونی و بیرونی را در راستای انجام اقدامات عمرانی عام‌المنفعه از سوی بانیان مورد نظر قرار داد. به احتمال فراوان نخستین انگیزه مبتنی بر رویکردی با نیت خالص در جهت کسب رضایت درونی بود، به نحوی که این فرد -خواه سلطان، وزیر و خواه درباریان پایین‌رتبه- با افزایش سطح دستیابی تمامی اقشار جامعه به نیازهای ضروری، رضایت درونی کسب می‌کرد که می‌توان دلایل آن را تا حد زیادی انگیزه‌هایی چون اجر اخروی، کاهش احساس گناه و افزایش احساس عزت نفس بانیان برشمرد. مبتنی بر این دیدگاه، فرد بانی نسبت به وضعیت اقشار فرودست جامعه و برای برآوردن نیازهای اقتصادی و فرهنگی دارای دغدغه بود و با احداث و مرمت ابنیه، که پاسخگوی نیازهای این طیف از جامعه بود، به اقداماتی نسبتاً گسترده و ماندگار مبادرت می‌ورزید.

دیگر رویکرد بانیان نشأت گرفته از عدم رضایت از نابرابری امکانات رفاهی افراد کم‌برخوردار جامعه بود، چنان‌که نوایی را می‌توان مصداقی از این‌گونه نگرش دانست. هر چند درباره شیوه رفتاری این‌گونه افراد، منابع عصر تیموری به بیان گزارشی نپرداخته‌اند، اما می‌توان با توجه به شرایط محیطی حاکم بر خراسان عصر بایقرا چنین در نظر داشت که افرادی همچون نوایی در گام نخست در پی رفع این نابرابری برآمده و سپس با افراد برخوردار، به مقابله مسالمت‌آمیز و گونه‌ای گفتمان پرداخته و سپس آنان از طرق گوناگون - خواه مبتنی بر سیاست‌های اعمالی دربار و خواه بر اساس موعظه و نصایح مذهبی و بهره‌گیری از نفوذ فرق صوفیه- ترغیب و تشویق به انجام اقدامات عمرانی عام‌المنفعه می‌شدند. چنان‌که در نظر گرفتن امتیازات ویژه وقف همچون عدم پرداخت مالیات و یا حفظ دارایی در میان خانواده واقف را می‌توان یکی از این راهکارها دانست. همچنین کسب مشروعیت و مقبولیت اجتماعی را می‌توان از دیگر نیت‌های مبتنی بر اهداف ازپیش‌مشخص بانیان، به‌ویژه برای سلطان دانست. به این معنا که دربار به‌واسطه خدمت‌رسانی، به‌ویژه با انجام اقدامات عام‌المنفعه‌ای که دارای رویکرد دینی بود (به‌عنوان یکی از ارکان مؤثر در مشروعیت‌سازی، هر چند ظاهری) از مشروعیت و در گام بعد به دلیل فعالیت‌های رفاهی مؤثر و کاربردی در زندگی اجتماعی، از مقبولیت اقشار گوناگون برخوردار می‌گردید. علاوه بر این، کسب اقتدار داخلی و خارجی را نیز می‌توان یکی دیگر از نیت‌های بانیان دانست، چراکه در این زمان به‌واسطه ضعف نسبی نظامی - سیاسی در عرصه خارجی در حکومت بایقرا، برخورداری از مناطقی آباد که نتایجی همچون رشد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی را به‌همراه می‌داشت، یکی از مسائل تأثیرگذار در نوع نگرش همسایگان، به آخرین حکمران دودمان تیموری محسوب می‌گردید.

منابع و مآخذ

- آژند، یعقوب (۱۳۸۱). «سیاست هنری تیمور». **شناخت**. شماره ۳۴: صص ۳۹-۵۶.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد (۱۳۵۶). **عجایب المقدور فی النوائب التیمور**. ترجمه محمد علی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اوکین، برنارد (۱۳۸۶). **معماری تیموری در خراسان**. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- حافظ‌ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۸۰). **زبدۃ التواریخ**. ج ۲، ۳، ۴. تصحیح سید کمال حاج سیدجواد. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۷۲). **مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه‌الخبار**. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: رسا.
- خوافی، احمد بن محمد (۱۳۸۶). **مجمعل فصیحی**. ج ۳. تصحیح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر. ۱۳۸۶.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۸۰). **تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر**. ج ۳، ۴. زیر نظر محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام، ۱۳۸۰.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۷۸). **مکارم الاخلاق**. تصحیح محمد اکبر عشیق. تهران: میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۵۵). **دستور الوزرا**. تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.
- رحمانی، مهدی (۱۳۸۳). **تاریخ علمای بلخ**. ج ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷). **احسن التواریخ**. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
- زمچی اسفزاری، معین‌الدین (۱۳۳۸). **روضات الجنات فی اوصاف مدینة الهرات**، به کوشش سید محمد کاظم امام. تهران: دانشگاه تهران.
- سمائی دستجردی، معصومه (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه اجتماعی هنرمندان و صنعتگران در دوره تیموریان». تاریخ اسلام و ایران، شماره ۲۹: صص ۸۱-۱۰۶.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۶۶). **تذکرة الشعرا**. به کوشش محمد رضائی. تهران: خاور.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). **مطلع سعدین و مجمع بحرین**. ج ۱، ۲. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳). **ظفرنامه**. بامقدمه پناهی سمنانی، تهران: بامداد.
- شایسته‌فر، مهناز (۱۳۸۸). «نقش زنان بانی در گسترش معماری عصر تیموری و صفوی»، **نامه پژوهش فرهنگی**. شماره ۳۸: صص ۶۹-۱۰۰.

- فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱). **پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- عنبری، مرضیه (۱۳۹۱). «بررسی مسئله وقف در دوره تیموری»، **تاریخ پژوهی**، شماره ۵۱: صص ۲۰-۱.
- کلاویخو، رویی گونسالس (۱۳۳۷). **سفرنامه کلاویخو**. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گل‌مبک، لیزا (۱۳۸۶). «مسجد جامع هرات». ترجمه اردشیر اشراقی. **گلستان هنر**. شماره ۸: صص ۹۹-۱۰۷.
- _____ (۱۳۷۴). **عماری تیموری در ایران و توران**. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: میراث فرهنگی.
- گیلانی، سید احمد کیا (۱۴۰۹ق). **سراج الانساب**. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- لعل شاطری، مصطفی (۱۳۹۳). «جایگاه موسیقی نزد اقطاب نقشبندیه»، **پژوهشنامه تاریخ و تمدن اسلامی**، شماره ۱: صص ۹۵-۱۲۳.
- _____ (۱۳۹۵). «هنر خراسان در دوره سلطان حسین بایقرا (۹۱۱-۸۷۵ق)»، **مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان**. شماره ۳۹: صص ۹۱-۱۰۲.
- مظاهری، مهرانگیز (۱۳۷۶). «معماری در عهد تیموری». **جلوه هنر**. شماره ۸: صص ۴۶-۵۱.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه‌بن محمود، (۱۳۸۰). **تاریخ روضه‌الصفاء**. ج ۱۰، ۱۱. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳). **منتخب‌التواریخ**. تصحیح ژان اوین. تهران: اساطیر.
- نوایی، علیشیر (۱۳۶۳). **تذکره مجالس النفایس**. به کوشش علی‌اصغر حکمت. تهران: منوچهری.
- واصفی، زین‌الدین محمود (۱۹۶۱م). **بدایع الوقایع**. ج ۱. با مقدمه الکساندر بالدیرف. مسکو: بی‌نا.
- واله‌اصفهان‌ی، محمدیوسف (۱۳۷۹). **خلد برین (تاریخ تیموریان و ترکمانان)**. به کوشش میرهاشم محدث. تهران: میراث مکتوب.
- یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). **ظفرنامه**. ج ۱، ۲. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.

Reference

- Adamec, L.W. 1981. Meshad and Northeastern Iran; Historical Gazetteer of Iran. Graz, Austria. **(Book)**
- Allen, T. 1981. A Catalogue of the Toponyms and Monuments of Timurid Herat. Cambridge University Press, England. **(Book)**
- 'Anbarī, M. 2012. Barrisiyī Masaliyih Waḳf dar Dūriyī Tiymūrī. Tārīkh Pazhūhī. (51); P.1-20. **(Journal)**
- Āzhand, Y. 2002. Sīāsati Hunarī Tiymūr. Shinākht. (34): 39-56. **(Journal)**
- Clavijo, R.G. 1958. Safarnāmiḥ Kilāwīkhū. M. Radjabnīyā. (Translator). Bungāhi Tardjumih wa Nashri Kitāb, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Farhānī Munfarid, M. 2002. Piywandi Sīasat wa Farhang dar 'Aṣri Zawālī Tiymūrīyān wa Zuhūri Ṣafawīyān. Andjumanī Āthār wa Mafākhirī Farhangī, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Gīlānī, S.A.K. 1988. Sirādj al-Ansāb. Library of Ayatollah Mar'ashī Naḍjafi, Qum. (In Persian) **(Book)**
- Golombek, L. 1995. Mi'mārī Tiymūrī dar Īrān wa Tūrān. K.A. Afsar. (Translator). Mīrāthī Farhangī, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Golombek, L. 1969. The Timurid Shrine at Gazar Gah. Royal Ontario Museum, Toronto. **(Book)**
- Golombek, L. 2007. Masḍjid Djāmi'i Harāt. A. Ishrākī. (Translator). Gulistāni Hunar. (8): P. 99-107. **(Journal)**
- Haase, P. 1997. Shrines of Saints and Dynastic Mausolea: Towards a Typology of Funerary Architecture in the Timurid Period. Iran-Asie Central. Vol 4. P. 215-227. **(Journal)**
- Ḥāfiẓ Abrū, 'A.L. 2001. Zubdat al-Tawārīkh; Vol. 2, 3, 4. S.K. Ḥādj Siyyid Djawādī. (Editor). Ministry of Culture & Islamic Guidance, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Ibn 'Arabshāh, A.M. 1977. 'Adjāyib al-Maḳdūr fī al-Nawā'ib al-Tiymūr. M.'A. Nidjātī. (Translator). Bungāhi Tardjumih wa Nashri Kitāb, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Khāfi, A.M. 2007. Mudjmalī Faṣḥī; Vol. 3. M. Nādjī Naṣrābādī. (Editor). Asāthīr, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Khāndmīr, Gh.H.A. 1976. Dastūr al-Wuzarā. S. Nafisī. (Editor). Iḳbāl, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Khāndmīr, Gh.H.A. 1993. Maāthir al-Mulūk bi Ḍamīmih Khātīmih Khulāṣat al-Aḳhbār. M.H. Muḥadith. (Editor). Rasā, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Khāndmīr, Gh.H.A. 1999. Makārim al-Aḳhlāk. M.A. 'Aṣhīk. (Editor). Mīrāthī Maktūb, Tehran. (In Persian) **(Book)**
- Khāndmīr, Gh.H.A. 2001. Tārīkhī Ḥabīb al-Sīyar fī Aḳhbāri Afrādi Ba-shar; Vol. 3, 4. M. Dabīr Sīyākī. (Editor). Khayām, Tehran. (In Persian) **(Book)**

- La'1 Shāṭirī, M. 2015. Djāyghāhi Mūsīkī Nazdi Aqṭābi Naqshbandīyih. Pazhūhishnāmih Tārīkh wa Tamaduni Islāmī.(1): P.95-123. (**Journal**)
- La'1 Shāṭirī, M. 2016. Hunari Khurāsān dar Dūriyi Sulṭān Ḥusiyani Bāykarā (A.H. 875-911). Muṭāliāti Farhangī wa Idjtimā'ī Khurāsān. (39): P. 91-102. (**Journal**)
- Mazāhirī, M. 1997. Mi'mārī dar 'Ahdī Tiymūrī. Djilwiyi Hunar. (8): P. 46-51. (**Journal**)
- Naṭanzī, M. 2002. Muntakhab al-Tawārīkh. J. Aubin. (Editor). Asāthir, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Nawāī, 'A. 1984. Tadhkirih Madjālis al-Nafāis. 'A.A. Ḥikmat. (Editor). Maūchīrī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- O'kane, B. 2007. Mi'mārī Dūriyi Tiymūrī dar Khurāsān. 'A. Ākshshīnī. (Translator). Bunyādi Pazhūhishhāyi Islāmī, Mashhad. (In Persian) (**Book**)
- Raḥmānī, M. 2004. Tārīkh 'Ulamāyi Baghdād; Vol. 1. Bunyādi Pazhūhishhāyi Islāmī, Mashhad. (In Persian) (**Book**)
- Rūmlū, Ḥ.B. 1978. Aḥsan al-Tawārīkh. 'A. Nawā'ī. (Editor). Bābak, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Samā'ī Dastdjirdī, M. 2016. Barrisīyi Djāyghāhi Idjtimā'ī Hunarmandān wa Ṣan'atgarān dar Dūriyi Tiymūrīyān. History of Islam & Iran. (29): P. 81-106. (**Journal**)
- Samarḳandī, D. 1987. Tadhkirat al-Shu'arā. M. Ramiḍānī. (Editor). Khāwar, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Samarḳandī, 'A. 2004. Maṭla'i Sa'dīn wa Madjma'i Baḥrīn; Vol. 1, 2. 'A. Nawāī. (Editor). Pazhūhishghāhi 'Ulūmi Insānī wa Muṭāli'āti Farhangī, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Shāmī, N. 1984. Zafarnāmi. Panāhī Simnānī. (Introduction). Bāmdād, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Shāyistifār, M. 2009. Naqshi Zanāni Bānī dar Gustarishi Mi'mārī 'Aṣri Tiymūrī wa Ṣafawī. Nāmiyih Pazhūhishhi Farhangī. (38): P.69-100. (**Journal**)
- Wālih Isfāhnī, M.Y. 1999. 2000. Khuldi Barn; Tārīkhi Tiymūrīyān wa Turkamānān. M.H. Muhadith. (Editor). Mīrāthi Maktūb, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Wāshift, Z.M. 1961. Badāyi' al-Waqāyi'; Vol.1. A. Boldyrev. (Introduction). (n.n), Moscow. (In Persian) (**Book**)
- Yazdī, Sh.'A. 2008. Zafarnāmih; Vol. 1, 2. 'A. Nawāī. (Editor). Library, Museum and Documents Office of National Consultative Assembly, Tehran. (In Persian) (**Book**)
- Zamčī Asfāzāri, M. 1959. Rūḍat al-Djannāt fī Ūṣāfi Madīna al-Harāt. S.M.K. Imām. Tehran University, Tehran. (In Persian) (**Book**)